



Legal Claims and Lawsuits of the People of Tehran in the Early Years of Constitutional Period A Case Study: Legal Claims

Hassan Zandieyh¹ & Hamideh Shahidi²


(25-42)

Abstract

Judicial disputes of the society in the Constitutional period including legal and criminal lawsuits represent events which occurred in the social, administrative and political context in Iran. This analytic-descriptive study seeks to explore the lawsuits and legal claims among the sources especially the judicial documents left from the people of Tehran in the Constitutional period. Property and financial disputes, inheritance and endowment are mentioned in the field of litigation of that period. The findings prove that financial issues were the most problematic ones for the people. The fledgling constitutional regime had growing financial crises since its inception. Among the many reasons for this was the improper performance of the former Qajar government facing economical problems. The value of Iran's currency fell severely in comparison to the other credible foreign currencies. Furthermore, despite the severe monetary fluctuation, the existing liquidity of the country could not meet the domestic needs of the country. This situation affected people and led to many financial lawsuits and legal claims. Furthermore, despite the severe monetary fluctuation, the existing liquidity of the country could not meet the domestic needs of the country. This situation affected people and led to many financial lawsuits and legal claims. Furthermore, despite the severe monetary fluctuation, the existing liquidity of the country could not meet the domestic needs of the country. This situation affected people and led to many financial lawsuits and legal claims.

Keywords: Qajar period; Zemmeh; Zemmehnameh; physical structure; content structure.

Received: 4, December, 2020; Accepted: 16, March, 2022

 10.22059/jhss.2022.314789.473343
Print ISSN: 2251-9254-Online ISSN: 2676-3370
<https://jhss.ut.ac.ir>

1. Email of the corresponding author: zandiyehh@ut.ac.ir

Assistant Professor of History, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Graduated of Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran..

تحلیلی بر دعاوی و شکایات‌های حقوقی مردم تهران در سال‌های نخست

مشروطه (۱۳۳۰-۱۳۲۴ق)

حسن زندیه^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حمیده شهیدی

دانش‌آموخته دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

علمی - پژوهشی

چکیده

اختلافات قضایی جامعه در دوره مشروطه شامل دعاوی حقوقی و کیفری، بیانگر واقعیاتی است که در بستر اجتماعی، اداری و سیاسی جامعه در ایران، ایجاد شده بود. این نوشتار بر آن است، به روش توصیفی - تحلیلی دعاوی و شکایات‌های قضایی مردم تهران در حوزه حقوقی، از میان منابع به‌ویژه اسناد عدلیه به‌جای مانده از آن دوران، استخراج و بررسی نماید. در حوزه دعاوی حقوقی در این زمان می‌توان به اختلافات ملکی، مالی، ارث و وقف اشاره کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این حوزه بیشترین چالش میان افراد، مسائل مالی بوده است. رژیم نوپای مشروطه نیز از همان بدو تأسیس دچار بحران‌های فزاینده مالی بود. این امر علل زیادی داشت که بیشتر از عملکرد ناصحیح حکومت پیشین قاجاریه در مواجهه با مشکلات اقتصادی ناشی می‌شد. در این دوره ارزش پول ایران در قبال ارزهای معتبر خارجی بسیار تنزل کرد. از سوی دیگر نقدینگی موجود کشور هم به رغم نوسانات شدید پولی تا مدت مدیدی نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیازهای داخلی کشور باشد. این وضعیت بر مردم هم تأثیر گذاشته و عمده شکایات‌های قضایی آنان در حوزه مسائل مالی بود.

واژه‌های کلیدی: ایران، تهران، مشروطه، نظام قضایی، دعاوی حقوقی.

۱. مقدمه

انقلاب مشروطه، فصل جدیدی را در تاریخ سیاسی و اجتماعی مردم ایران گشود و منجر به تحول در حوزه‌های مختلف از جمله ساختار حقوقی و قضایی کشور شد. از آنجایی که بررسی مشکلات و دعاوی مردم، بیانگر واقعیاتی در بستر اجتماعی، اداری و سیاسی جامعه ایران است، این نوشتار بر آن است تا چالش‌ها و اختلاف‌های قضایی مردم تهران که در این زمان پایتخت حکومت بود، از میان منابع استخراج نماید. این مطالب نتیجه بررسی و مطالعه حجم وسیعی از اسناد عدلیه طی سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ ق، به تعداد ده هزار برگ سند مربوط به دوره مشروطه است که داده‌های تاریخی ارزشمندی را در خود جای داده است. بدیهی است در این میان، منابع تاریخی هم پژوهش‌گر را در تکمیل کاستی‌ها و فهم و تفسیر بهتر این اسناد یاری می‌کنند.

مشکلات قضایی جامعه در صدر مشروطیت که از لابه‌لای مکاتبات اداری و عریضه‌ها به دست آمده، به دو بخش تقسیم می‌شوند: مشکلات حقوقی و کیفری. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به کم و کیف چالش‌های قضایی مردم تهران در حوزه حقوقی در صدر مشروطیت می‌پردازد و بر این فرضیه استوار است:

با توجه به بحران مالی حکومت مشروطه، مردم تهران هم از این وضعیت متأثر بودند و عمده مشکلات قضایی آنان در حوزه مسائل مالی بود.

بنابراین این‌که بیشترین دعاوی حقوقی مردم تهران در سال‌های نخست مشروطه طی سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ ق چه بوده است، عمده‌ترین مسأله‌ای است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

بخش زیادی از مجموعه اسناد مذکور به تعداد تقریبی ۹۰۰۰ برگ در مرکز آرشیو اسناد آستان قدس و بخش کمتری از آن به تعداد تقریبی ۱۰۰۰ برگ در اختیار مرکز آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی است. بدیهی است شماره ثبت اسناد و بازیابی آن در دو مرکز متفاوت است. آرشیو آستان قدس از شماره 59497 تا شماره 61909 و در آرشیو مجلس، اسناد مذکور در دو کارتن با شماره ۸۸ و ۸۹ قابل بازیابی هستند. در این نوشتار جهت شناسایی محل نگهداری اسناد برای آستان قدس حرف اختصاری آ و برای مجلس حرف اختصاری م لحاظ شده است.

۲. دعاوی ملکی

در این دوره دعاوی حقوقی ملکی، حجم زیادی از پرونده‌های حقوقی در عدلیه را تشکیل داده بود. موارد مورد اختلاف که در اسناد اشاره شده، شامل اراضی وسیع کشاورزی، فئات و مستغلاتی نظیر دکان، خانه و اسطبل است. مشکلات حقوقی در ارتباط با مسائل ملکی تمام طبقات اجتماعی را در برمی‌گرفت. اختلاف بر سر املاک یا مستغلات بزرگ در میان شاهزادگان و خاندان قاجار، عمال حکومتی، نظامیان و صاحب‌منصبان دولتی و نیز تاجران بزرگی از جمله حاج کاظم ملک التجار، طومانیانس، ارباب جمشید، ارباب شهریار و ارباب کیخسرو، مشاهده می‌شود. احمد اشرف از آنان به عنوان گروه جدیدی تحت عنوان تاجر زمین‌دار یاد می‌کند که به علت فروش زمین‌های دولتی (خالصجات) و املاک اشرف حکومتگر، به تاجر بزرگ در نیمه دوم قرن ۱۳ ق/۱۹

م تبدیل شده بودند (اشرف، عزیزی، ۱۳۸۷: ص ۵۳) در اینجا به دعاوی حقوقی ملکی که در اسناد انعکاس یافته، اشاره می‌شود:

۱-۲. تصرف عدوانی: از جمله اختلافات و یا دعاوی ملکی، تصرف ملک بدون رضایت مالک یا متصرف قانونی است که در اصطلاح حقوقی به تصرف عدوانی تعبیر می‌شود و در اسناد به تناوب وجود دارد.

در گزارشی از اداره تفتیش عدلیه، چنین آمده: «میرزاعلی تظلم می‌نماید از مهدی بیگ قزاق که یک باب خانه مرا مهدی بیگ بدون حق، تصرف کرده است.» (۵۹۶۵۴۴) در عریضه‌ای، حاجی مجدالدوله خطاب به معاون عدلیه، امجد السلطان از این امر شکایت دارد که «دکاکین واقعه در خیابان چراغ گاز متعلق به این جانب را جناب عیسی خان چند ماه است غصباً و عدواناً ضبط نموده، از ترس آنکه مخلص درصدد^۱ و مدافعه برآیم، پیش‌دستی نموده، به دیوان‌خانه عدلیه عظمی عارض شده است» (۶۱۳۳۱۴).

۲-۲. اختلاف وراثت متوفی بر سر املاک وی با اشخاص دیگر: در این دعاوی با فوت مالک، وراثت وی درصدد احیای مالکیت و تصرف ملک برمی‌آیند. ادعای حقوقی از این دست، شکایت مؤتمن الدوله، فرزند میرزا سعید خان وزیر، در باب باغ و خانه پدری‌اش است. طرف مقابل که نامش در سند مشخص نیست، طی عریضه‌ای به عدلیه، از این اقدام مؤتمن الدوله انتقاد کرده است:

«... جناب مؤتمن الدوله به‌عنوان این‌که اراضی آن محله که بنده در آن سکونت دارم، موسوم به باغ مرحوم میرزا سعید خان وزیر است و وزیر مرحوم، پدر بزرگوار ایشان است، بعد از پنجاه سال، حالا ادعا به خانه بنده دارند. با این‌که بیست سال است این خانه را ساکن هستم و به قول معروف متصرف و از نو ساختم، اما مقصود ایشان که هیچ کار، جز آزار بنده ندارند، تمام ادعای خودشان را بر چهل پنجاه هزار ذرع زمین که به اسم مرحوم وزیر است، زمین گذاشته، دنبال بنده کرده‌اند» (م کارتت ۸۹، پوشه ۲۳، ص ۱۹۳).

۲-۳. اختلاف بر سر عرصه و اعیان ملک: یکی از مصادیق آن، اختلاف میان منشورالسلطنه و معززالسلطنه، نامادری احمدشاه قاجار به سال ۱۳۲۹ ق بر سر دکاکینی در شهر تهران است. از مکاتبات مربوط به آن پرونده، چنین مستفاد می‌شود که اختلاف بر سر عرصه و

اعیان آن ملک است. دکاکین مزبور توسط معززالسلطنه احداث و «ملک طلق متصرفی چندین ساله او بوده است» (آ، ۱۳۴۹، ص ۶). دادگاه تمیز نیز بر این امر صحه گذارده و حکمی صادر کرده که طبق آن «دکاکین از منشورالسلطنه منتزع و به معززالسلطنه داده شود» (آ، ۱۳۴۹، ص ۳). اما به علتی که در اسناد نامشخص است؛ این حکم اجرا نمی‌شود. از سوی دیگر مال‌الاجاره نیز توسط منشورالسلطنه دریافت می‌شد. وکیل معززالسلطنه، محمدصادق فخرالاسلام، خواستار اجرای حکم و استرداد دکاکین و انتفاع موکل خود از مال‌الاجاره می‌شود و بر این نکته تأکید می‌کند که اختلاف «اراضی است نه اعیان» (آ، ۱۳۴۹، ص ۶) به عبارتی اختلاف بر سر عرصه ملک است.

معاون عدلیه، جهت تبیین این قضیه که مال‌الاجاره به چه کسی می‌رسد، از دیوان عالی مستدعیات تمیز، سؤال می‌کند. رئیس کل مستدعیات نیز به‌طور صریح پاسخ می‌گوید که «اعیان فعلاً بر ملکیت معززالسلطنه باقی است و مال‌الاجاره آنچه متعلق به اعیان است، تابع عین است و راجع به مالک عین می‌باشد» (آ، ۱۳۴۹، ص ۷) با تمام این اوصاف، حکم مزبور اجرا نمی‌شود. فخرالاسلام نیز پی‌گیر شکایت شده و خواستار احقاق حق می‌شود، به رغم پیگیری‌های مؤکد فخرالاسلام، حکم یادشده اجرا نشد. به هر حال، فرجام این پرونده در اسناد مشخص نیست. از مکاتبات در این خصوص، مباحث مورد توجه دیگری مستفاد می‌شود که خارج از حوصله این بحث است (ر.ک: شهیدی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۷۹).

۲-۴. دعاوی ناشی از معاملات ملک: یکی از مشکلات خرید ملک، عدم پرداخت ثمن آن از سوی خریدار است. در یکی از اسناد به مشکل حقوقی مریم خانم در ارتباط با فروش ملکی در تهران اشاره شده است. در این پرونده، از سوی مریم خانم به قهرمان خان و زمان خان ملکی فروخته شده اما به علت عدم پرداخت ثمن معامله، فروشنده آن را فسخ کرده بود. حکم قضایی نیز به نفع وی صادر می‌شود که این امر مورد اعتراض خریداران قرار می‌گیرد. در گزارشی از محکمه ابتدایی حقوق، در این باب چنین آمده است: «در باب عمل مریم خانم و قهرمان خان و زمان خان، حکمی که از شعبه ثانی بر حقانیت ضعیفه، اخیراً صادر شده، صحیح و لازم الاجراست. به دلیل این که مریم خانم به واسطه تأخیر ثمن معامله، بیع را فسخ کرده است و این عمل در محضر جناب آقا شیخ علی ارکی که خود مجری صیغه بوده‌اند، واقع شده است» (آ، ۵۹۵۶۵).

۲-۵. دعاوی مربوط به اجاره املاک: اختلافات حقوقی به وجود آمده، میان مستأجر و موجر یکی دیگر از مشکلات قضایی مردم بود. عمده مشکلات، تمرد موجر یا مستأجر از اجاره‌نامه بود. در دادخواهی موجری آمده است: «ضعیفه حاجیه، املاک خود را به حاجی اسماعیل رشتی به نفسه لفسه اجاره داده و در ضمن عقد خارج شرایط چندی در اجاره‌نامه شرعاً قید نموده، من جمله شرط مستأجری علاوه بر شرط اجاره بنفسه لفسه تصرف کند که با احدی شراکت نکند و در اجاره خود احدی را شریک قرار ندهد در صورتی که تخلف در شرط کند، اختیار فسخ با مالک باشد». علی‌رغم تأکید در اجاره‌نامه، مستأجر خلف قرارداد کرده و فرد دیگری موسوم به وکیل التجار را در ریع املاک و مستغلات شریک می‌کند که این امر سبب ایجاد اختلاف و دادخواهی موجر به دستگاه قضا می‌شود (آ، ۶۱۵۷۸).

یکی از موارد دیگر، عدم تخلیه مورد اجاره توسط مستأجراست. در سندی صبیبه مرحوم آقا میرزا اسید محمدعلی خان مستوفی تفرشی، تقاضای تخلیه دو باب دکان ملکی خود از حاجی محمدجعفر آجیل‌فروش را می‌کند. حکم بر حقانیت وی صادر می‌شود اما بعد از چند ماه موفق به اجرای حکم یا به اصطلاح حقوق، خلع ید نمی‌شود. از این رو، تقاضای اجرای حکم حقانیت خود را دارد (آ، ۶۰۴۵۷).

۲-۶. بازپس‌گیری اراضی به نفع دولت: یکی از مشکلاتی که در عدلیه مطرح می‌شد، توسط تیول‌داران بود. تیول مناطقی بود که به رسم پیشکشی یا در عوض حقوق دیوانی، از سوی شاه به افراد داده می‌شد. یکی از مباحثی که در مجلس اول در دفاع از روستائیان میان نمایندگان مطرح شد، همین مسئله بود. در جلسات مذاکره، بر این امر تأکید می‌شد که رسم تیول، سبب عداوت و ظلم به رعایا می‌شود. از این رو، در ۱۱ صفر ۱۳۲۵ق این رسم ملغی اعلام شد. اما اجرای این قانون با مخالفت‌های سرسختانه صاحبان تیول به همراه بود. آنان با نگارش نامه‌هایی به مجلس، حتی عنوان می‌کردند که به واسطه خون اجدادشان مورد مرحمت قرار گرفته‌اند. در این باب پاسخ آقا میرزا محمود خوانساری قابل توجه است:

«از زمان ناصرالدین‌شاه می‌رور تا زمان حال، هیچ جنگ و جدالی اتفاق نیفتاده که حضرات نوشته‌اند خون اجداد ما ریخته شده تا مستوجب این بذل مرحمت شده، خوب معین شود چه جهت دارد فلان خواجه در سال ده هزار تومان ببرد و سرباز دولت گرسنه بماند و عمر خودشان را بذلت به آخر رساند» (روزنامه مجلس، ۱۳۲۵ق، شماره ۱۰۹ ص ۲).

تلاش تیول‌داران در لغو قانون مذکور، ناکام ماند. اما همچنان در برابر اجرای قانون، مقاومت نشان داده و در این راستا به بهانه‌هایی جهت عدم استرداد ملک، شکوائیه‌های خود را با عدلیه در میان می‌گذاشتند و این مخالف اظهار عبدالله مستوفی است که بیان می‌دارد: «موضوع تیول در آن دوره برای صاحب تیول‌ها چنانکه می‌دانیم، استفاده‌ای نداشته است که از فسخ آن ضرری متوجه آنها بشود...» (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۱۳۵) یکی از این شکوائیه‌ها، شکایت مرتضی قلی و شاهزاده معتضدالسلطنه به دبیر الملک، وزیر عدلیه، به تاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۲۸ ق است که بخشی از آن در گزارشی آمده است:

«در سنه یکهزار و سیصد و سیزده به موجب یک طغرا فرمان مبارک مرحوم ناصرالدین‌شاه طاب ثراه، یک قطعه زمین در جنب عشرت‌آباد به چند نفر که از آن جمله یک نفر بنده و یک نفر دیگر سرکار والا شاهزاده معتضدالسلطنه است، واگذار فرمودند و همان روز آن اراضی را ذرع و پیمان کردند و تصرف نمودیم و سال‌ها بدون معارض بود تا در زمان مجلس سابق امنظور مجلس اول است [که جمعی به اسباب‌چینی، اراضی مردم را غارت می‌کردند]» (آ، ۵۹۹۵۳).

در این سند مشخص است که تیول‌داران، اقدام مجلس در جهت لغو تیول را دور از عدالت و فراتر از آن نوعی غارت می‌دانستند.

۳. دعاوی مالی

عمده اسناد موجود که به مشکلات قضایی اشاره دارند، در ارتباط با امور مالی مردم با یکدیگر می‌باشند. این امور شامل طلب و دیون افراد است. تجار و بازاریان بیشترین سهم را در این نوع مشکلات داشتند. امور راجع به معاملات تجاری که طرفین یا یک طرف آن تاجر بودند و مورد اختلاف آنان راجع به اموال غیرمنقول بود، در صلاحیت محکمه تجارت محسوب می‌شد. از این رو به تعدد، گزارش‌ها و نامه‌های اداری مربوط به این محکمه موجود است. یکی از محلات اصلی تهران که دارای محکمه بوده، محله بازار است که در اسناد از آن به عنوان «محکمه محله بازار» یاد می‌شد. بنا بر نوشته منصوره اتحادیه، در محله بازار تجار و کسبه سکونت داشتند (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰). این امر نشان‌دهنده اهمیت رسیدگی به مشکلات قضایی اهالی بازار بوده که سبب ایجاد محکمه‌ای مخصوص در این محل شده بود.

در این دوره اختلافات مالی تاجران بزرگی از جمله مشهدی کاظم ملک التجار و ارباب جمشید تا تجار و خرده‌فروشان و صاحبان اصناف نظیر استاد محمدابراهیم

صندلی سازو (آ، ۵۹۹۲۰) حاجی باقر بقال (آ، ۵۹۶۲۰) مشاهده می‌شود. صرافان به دلیل ارتباط مستقیم با فعالیت و حوزه‌های مالی و بانکداری قدیم، یکی از متداعیین در اختلافات مالی بودند که در اسناد به آنان اشاره می‌شود. نظیر حاجی باقر صراف (آ، ۵۹۵۵۲) سیف علی صراف (آ، ۵۹۶۹۸) آقا اسماعیل تبریزی صراف (آ، ۵۹۷۲۴) آقا علی صراف (آ، ۶۰۰۵۷).

در باب مبالغ نقدی مورد اختلاف افراد، کمترین مبلغ که از اسناد استخراج شد، مربوط به شکایت دبیر تشریفات از حاجی علی آشپز، بابت وجه اجاره یک باب منزل به مبلغ ۲۲ تومان و شش هزار دینار است (آ، ۵۹۸۸۴). بیشترین مبلغ مربوط به طلب محمد شریف تاجر بیجاری از کافی السلطنه به مقدار ۴۰۰ تومان است. در مواردی بعد از شکایت افراد، تا حل مشکل قضایی و بر طرف شدن دین، اموال فرد متشاکی توسط عدلیه توقیف می‌شد. در عریضه‌ای، مشهدی کاظم ملک التجار (۲۹ صفر ۱۳۲۹) به توقیف مبلغ قابل توجه ۴۴۸ تومان توسط کارگزاران عدلیه، به معاون وزارت عدلیه، امجدالسلطان شکایت کرده و در پشت پاکت نامه، خود را به‌عنوان «کاظم غارت‌شده» معرفی می‌کند (آ، ۶۰۱۴۵). علت توقیف و مبلغ مورد شکایت در اسناد مشخص نیست ولی با توجه به مبلغ توقیف‌شده، می‌باید قابل توجه بوده باشد.

در رسیدگی به اختلافات مالی افراد، سعی می‌شد با توجه به توان بدهکار، مبلغ طلب شده را اخذ و جهت تسهیل در وصول، آن مبلغ را تقسیط کنند. به‌طور نمونه در مورد طلب ۲۲ تومان و شش هزار دینار دبیر تشریفات که به آن اشاره شد، قرار می‌شود که حاجی علی، ماهیانه مبلغ هفت تومان و پنج قران بپردازد: «... مرضیاً قرار بر این دادند که ماهی هفت تومان [و] پنج قران از قرار روزی دو ریال، حاجی علی در وجه دبیر تشریفات کارسازی دارد...» (آ، ۵۹۸۸۴ ص ۳).

طبق قانون هرکس محکوم می‌شد و قادر به پرداخت وجه نقد نبود، از دارائی و اموال وی به میزان طلب داده می‌شد. در چندین مورد، به این امر اشاره شده است که شخص بدهکار دارای املاک است اما فاقد وجه نقد است. این امر می‌تواند حاکی از ضعف اقتصادی و عدم تحرک بازار باشد. نمونه آن آقا میرزا مهدی طباطبایی تبریزی بود که در عریضه خود، ضمن اشاره به این ماده قانونی، تقاضا می‌کند به علت نداشتن وجه نقد، املاکی را که در تهران و تبریز دارد، به قیمت عادلانه به جای بدهی داده شود.

جدای از اسناد مالی منعقد میان افراد، یکی از اسناد مورد رجوع، یادداشت‌ها و دفاتر نگهداری حساب تجار بود که از آن به‌عنوان «دفتر دستک» یاد می‌شد. در باب

دعوی حاجی میرزا مهدی با حاجی آقاخان، مقرر گردید که دفتر دستک آنان توسط دو تاجر دیگر مورد رسیدگی و توجه قرار گیرد و در صورت مدلل بودن طلب ایشان، ارجاع به شرع شود (م، کارتن ۸۹، پوشه ۲۳، ص ۲۱۱).

در این اسناد به خوبی رکود و کمبود نقدینگی در اوایل مشروطه مشاهده می‌شود. خرابی بازار و بی‌پولی پیش از مشروطه با توجه به مکاتبات حاجی علی‌اکبر صراف نیز قابل مشاهده است (رک: اتحادیه، ۱۳۷۷: ص ۳۱۷). در مورد مشکلات حقوقی مرتبط با امور مالی که در منابع انعکاس یافته، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۳-۱. اختلاف مربوط به عدم پرداخت بدهی، قرض و وثیقه: از معضلات قضایی مردم که در اسناد موجود است، عدم پرداخت قرض و طلب افراد و مشکلات وثیقه است. نمونه آن طلب معین التجار از میرزا عبدا... خان امین السلطان (فرزند میرزا امین السلطان اتابک) است. گزارش رئیس کل محاکم ابتدایی به معاون عدلیه، امجدالسلطان در این باب به تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ ق قابل توجه است:

« حضور مبارک حضرت معاون وزارت عدلیه اعظم عرضه می‌دارم: جناب معین التجار تظلم نموده به عدلیه اعظم بر اینکه هزار تومان از جناب امین السلطان طلب کارم. حاضر شدند، محاکمه نموده. محکمه ارجاع به شرع انور نموده، به محضر مبارک حجه الاسلام آقای حاجی سید ابوطالب دامت برکاته چند جلسه در محضر حاضر شدند و آخر الامر منتهی به قسم شد که امین السلطان قسم به جلاله یاد نماید. جناب معین التجار طفره زدند و هر یک حاضر نشدند و حالا محکمه می‌فرمایند، باید محاکمه شود. آنچه قانونی حکمش می‌باشد، مرقوم بفرمایید به جان دل اطاعت دارم ». امجدالسلطان در پاسخ بیان می‌دارد که «... قانوناً محکمه تا حکم از محضر نرسد، حق مداخله و محاکمه ندارد» (آ، ۵۹۶۸۴ ص ۵).

مورد دیگر، طلب میرزا جعفرخان از مشهدی علی ریخته‌گر به مبلغ نودوشش تومان که طبق سند شرعی مقرر بوده که ماهیانه دوازده تومان پرداخت شود؛ اما برخلاف تعهد، مشهدی علی بدهی خود را پرداخت نمی‌کند. با توجه به اسناد معتبر، حکم به حقانیت میرزا جعفر داده می‌شود اما باز هم مشهدی علی از پرداخت بدهی خود تعلل می‌ورزد. به نظر می‌رسد به چگونگی پرداخت مبلغ از سوی متشاکمی اعتراض شده است چراکه در گزارش محکمه محله بازار شعبه اول، به تاریخ ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ ق برگرفتن وجه به صورت اقساطی از سوی کمیسری تأکید شده است (آ، ۵۹۹۱۱).

یکی دیگر از موارد، فوت بدهکار است که این امر هم برای طلبکار و هم برای ورثه مشکل ایجاد می‌کرد. گاهی طلبکار مجبور بود جهت اثبات طلب خود از شخص متوفی

با اسناد متقن در محضر شرع ادعای خود را ثابت کند. نمونه آن تظلم حاجی میرزا حسین شال فروش از قیمین فرزندان صغیر مرحوم مستشار دفتر، بابت طلب خود به میزان هزار تومان که به ناچار بنا به خواسته قیمین، جهت اثبات ادعای خود به محضر شرع (درباره محاضر شرعی ر. ک: شهیدی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۴-۹۵) رجوع می‌کند (آ، ۵۹۸۷۵).

عدم پرداخت هزینه اجناس توسط خریدار، یکی دیگر از موارد مطرح شده در دستگاه قضا است. در عرض حال مربوط به ۱۳۲۸ ق، خواجه محمدباقر در محکمه محله بازار تهران، از آقا علی کرمانشاهی به علت عدم پرداخت هزینه خرید اجناس مربوط به خرازی به قیمت چهل تومان، شکایت کرده و از عدلیه تقاضای رسیدگی کرد (آ، ۵۹۹۶۲).

عدم پرداخت اجرت و دستمزد افراد، یکی دیگر از مشکلات مطرح شده بود. افراد مدعی در این امر صاحبان پیشه بودند. دادخواهی استاد ابوالقاسم بنا از حاجی مجدالدوله و پیشکاروی، شاهزاده محمدکاظم میرزا، بابت اجرت کاهگل پشت‌بام و ساخت دو اتاق، نمونه بارز آن است. بر روی سند دادخواهی وی، مهر ورود به دفتر اداره اجرا به تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۲۹ ق درج شده است که مشخص است حکم به نفع استاد بنا صادر و جهت اجرا به دفتر مربوطه وارد شده است. بخشی از متن دادخواهی به این شرح است:

«... شاهزاده محمدکاظم میرزا، پیشکار آقای حاجی مجدالدوله، با خود آقای مجدالدوله بنده را واداشتند در سرچشمه سرکار، بنائی که دو کاروانسرا داشتند که آنجا کار کنم. پشت‌بام‌های هر دو کاروانسراها را کاه‌گل مالی کردم و دو اطاق نو هم ساختم. تقریباً سه هزار و پانصد زر کاه گل مالیدم و بعضی خورده بنایی هم کردم و در پول دادن مسامحه کردند. رفتم گفتم حق مرا بدهید. آقای امجدالدوله خودش شخصاً مرا زد. سرو دست [و] کمر مرا معیوب کرد گفت برو به دیوانخانه عارض شو. رفتم عارض شدم دو عریضه دادم یکی از برای طلب و یکی از برای کتک در اطاق جزا... شش ماه است بنده را سرگردان کردند و هی امروز را به فردا انداختند...» (آ، ۶۰۴۳ ص ۲).

مشکلات مربوط به وثیقه و ضمانت، از دیگر مشکلات حقوقی ذکر شده در اسناد است. پرداخت وام به تجار و بازاریان جهت انجام معاملات، یکی از فعالیت‌های صرافان محسوب می‌شد (ر. ک: والی نژاد، ۱۳۸۲). صرافان در قبال وجه وام جهت تضمین پرداخت، وثیقه‌ای دریافت می‌کردند. در سندی مشهودی علی قناد، جهت دریافت مبلغی، معادل آن اسبابی را نزد سیف علی ممقانی صراف به ودیعه می‌گذارد اما با توجه به اغتشاشات در زمان فتح تهران و ورود سپه دار تنکابنی به شهر، صراف مذکور از شهر خارج شده و

بعد از بازگشت، وثیقه وی را برنمی‌گرداند و همین امر سبب شکایت وی به عدلیه می‌شود (آ، ۵۹۶۹۸).

ضمانت برای دیگری به دنبال عدم پرداخت، مشکلات قضایی را برای ضامن ایجاد می‌کرد. از جمله میرزا محمد علف به واسطه ضمانت فردی به مبلغ ۱۷۸ تومان به حبس می‌افتد و در این باب شکوه کرده، درخواست می‌کند او نیز جهت خلاصی از حبس یک نفر ضامن بیاورد. که با درخواست وی توسط امجدالسلطان به مدت پنج روز موافقت می‌شود (آ، ۶۰۳۱۹).

۳-۲. دعاوی ناشی از فسخ معامله: در اسناد گزارش‌هایی از فسخ معامله به علت فریب در معامله (خیارغین) و خودداری فروشنده از استرداد قیمت یا ثمن معامله به خریدار مشاهده می‌شود. شعبان علی علف در عریضه‌ای خطاب به رئیس تفتیش عدلیه مرکزی به تاریخ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ ق، مدعی است شرکتی را از آقا ملا رضا ذوغالی به مبلغ چهل تومان خریداری کرده؛ اما شخص فروشنده فاقد چنین شرکتی بوده است. از این رو، تقاضای استرداد وجه پرداختی خود می‌کند (آ، ۵۹۹۱۲).

در مورد دیگر، شخصی به نام محمدرضا، از ورثه مرحوم حاجی میرزا محمدعلی، خانه‌ای را خریده و بعد از آن متوجه معایب زیادی در آن می‌شود. لذا از خرید خانه منصرف و معامله را فسخ می‌کند و از عدلیه تقاضای استرداد وجه پول توسط ورثه را می‌کند (آ، ۵۹۹۳۷).

۳-۴. دعاوی ناشی از عدم پرداخت مال‌الاجاره و عدم استرداد مال‌الرهن: عدم پرداخت اجاره‌بها توسط مستأجر و عدم استرداد مبلغ رهن در زمان تخلیه توسط موجر، از موارد مشکلات قضایی مطرح‌شده در اسناد است. از جمله شکایت میمنت الملوک خانم، از حاج میرزا حسن رشیدی^۱ مدیر مدرسه است، در باره عدم پرداخت اجاره سه ساله یک باب خانه که به نظر می‌رسد یکی از مدارس حاج میرزا حسن است، به مبلغ شش صد و هیجده تومان. در سند ذکر شده که بخشی از اجاره توسط وزارت معارف پرداخت شده و مابقی بر عهده میرزا حسن است (آ، ۶۰۵۹۸).

۱. میرزا حسن رشیدی بنیان‌گذار مدارس نوین در ایران است. این سند گویای مشکلات وی در امر اداره مدرسه و بی‌توجهی وزارت معارف به این امر است. نامه‌ای از میرزا حسن موجود است که از حیف‌ومیل شدن بودجه معارف و عدم اختصاص آن به مدارس انتقاد کرده است (ر.ک: مظفر مقام، ۱۳۸۸).

از عدم پرداخت رهن نیز می‌توان به عریضه اعتماد قاجار به عدلیه اشاره کرد. وی در این عریضه به محکومیت محمدعلی خان قاجار به واسطه عدم پرداخت مبلغ ۱۵۰ تومان رهن می‌پردازد و سپس مهلتی برای پرداخت این مبلغ تقاضا می‌کند (آ، ۵۹۹۳۶).

۴. دعاوی در حوزه وقف

در دوره قاجار به علت سیطره فضای مذهبی بر جامعه، وقف به عنوان یک نهاد دینی رونق داشت. از سوی دیگر بنا به گفته کرزن، مردم که مورد تهدید ضبط، غصب و مصادره املاک بودند، برای فرار از آن، املاکشان را وقف می‌کردند تا زنده‌اند خودشان از آن بهره‌گیرند و پس از مرگشان متعلق به یکی از اماکن مذهبی گردد (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۲۴۸). در این زمان در باب اختلافات در حوزه وقف، سه مورد مشاهده می‌شود: ۱. در باب تعدی به موقوفات و ارجاع شکایت واقفان از موقوفه خواران به عدلیه ۲. ادعای شخصی بودن و عدم وقفیت ملک ۳. اختلاف میان احفاد واقفان در نوع وقف‌های اولادی. درباره تعدی موقوفه خواران به رقبه وقفی، پی‌گیری کیخسروشاهرخ، نماینده مجلس شورای ملی از طرف جامعه زرتشتیان، جهت استیفای حقوق ملک وقفی کیخسرو منوچهر از این دست است (آ، ۶۰۰۸۳). از پرونده‌های مربوط به ادعای شخصی بودن ملک، ادعای آجودان همایون مبنی بر تصرف ملک موروثی وی توسط ورثه حجت‌الاسلام آقا سید ریحان به عنوان وقف، تبیین‌کننده این مسئله است (آ، ۱۶۲۶، ص ۴۶ و ۲۸). اختلاف میان فرزندان واقف در وقف‌های اولادی بر سر تولیت و انتفاع از بهره وقف، از مشکلات قضایی بود که از آن گزارش‌های متعددی موجود است (به‌طور نمونه: آ، ۶۰۶۶۳).

۵. دعاوی در حوزه ارث

در اسناد، مشکلات مربوط به ارث به طور عمده در میان طبقات اعیان و اشراف و مالکان مشاهده می‌شود. اینان صاحبان ثروت بودند و بعد از مرگ صاحب ثروت، میان اعقاب او بر سر تقسیم ماترک اختلاف ایجاد می‌شد. علاوه بر آن گزارش‌های متعددی از اختلاف میان وراث با افراد دیگر در تهران موجود است که حاکی از مشکلات وراث دارد. مانند: اختلاف میان ورثه حاجی غلام‌حسین خان سرتیپ و ورثه میرزاعلی اصغر خان اتابک امین‌السلطان بر سر قیطره تهران (آ، ۵۹۵۸۳). افتخار اعظم، دختر اتابک در این باب مدعی است باغ‌های قیطره متعلق به نظام الدوله و آصف السلطنه بوده است و اتابک این باغ‌ها و زمین‌های اطراف آن‌ها را خریده و جهت نزدیکی به صاحبقرانیه، محل اقامت تابستانی ناصرالدین‌شاه، آن‌جا را محل ییلاقی خود قرار داده بود (معمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۰ به نقل از مجله اطلاعات ماهانه تیر ۱۳۳۳ش) همچنین اختلاف وراث مرحوم سعید الدوله

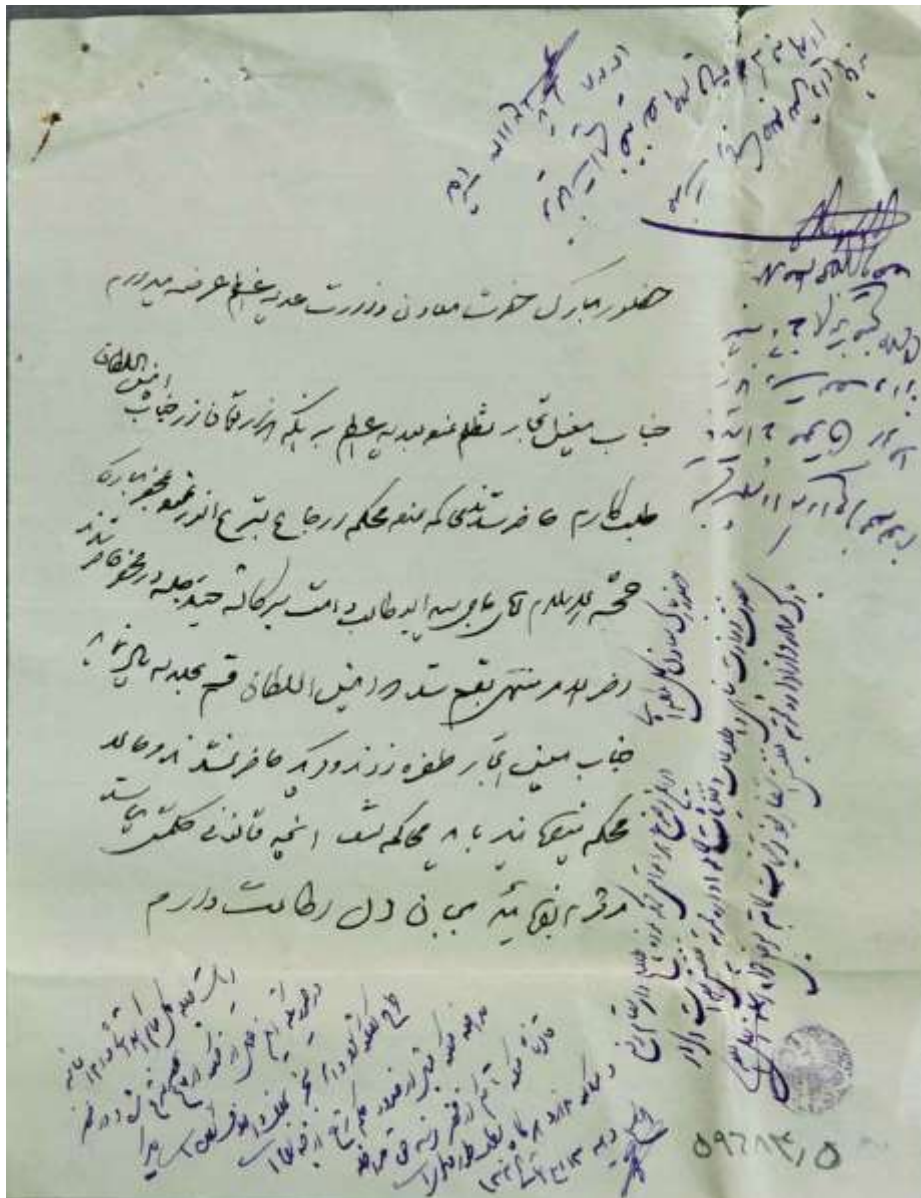
با امین حضرت در باب دو هزار و پنجاه ذرع اراضی در دروازه دولاب^۱ (آ. ۵۹۷۱۵) نمونه دیگری از این مشکلات است. در این میان بعد از مرگ فردی که صاحب ثروت و مکنت بوده است مدعیانی نسبت به اموال او پیدا می‌شدند و اسباب دردسر برای وارثان می‌شدند. در نگارشی از نصرالله طباطبایی در باب تقسیم املاک ساعد الملک، به این امر اشاره شده است: «... معمول ایران است هر که بمیرد و علاقه و اموالی دارد، همه‌روزه از اطراف و جوانب به دعاوی غیر حقه و اسباب‌چینی در مقام ادعا برمی‌آیند و اسباب زحمت ورثه می‌شوند» (آ. ۱۷، ۶۰۰).

| عمده‌ترین دعاوی و شکایت‌های حقوقی مردم تهران در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ ه.ق. بر اساس اسناد | | | |
|--|--|--|------------------------------------|
| ارث | وقف | مالی | ملکی |
| اختلاف وراثت در تقسیم ارث | شکایت از موقوفه خواران | اختلاف مربوط به عدم پرداخت بدهی، قرض و وثیقه | تصرف عدوانی |
| اختلاف وراثت با افراد دیگر بر سر ماترک متوفی | ادعای شخصی بودن و عدم وقفیت ملک | دعاوی ناشی از فسخ معامله | اختلاف بر سر عرصه و اعیان ملک |
| ادعا جهت احیای مالکیت و تصرف ملک موروثی | اختلاف میان احفاد واقفان در وقف‌های اولادی | دعاوی ناشی از عدم پرداخت مال الاجاره و عدم استرداد مال الرهن | دعاوی ناشی از معاملات ملک |
| | | | دعاوی مربوط به اجاره املاک |
| | | | باز پس‌گیری اراضی تیول به نفع دولت |

۱. دولاب از روستاهای قدیمی پیرامون تهران است. هنگامی که در عصر شاه صفی صفوی حصارى برگرد تهران کشیده شد، دروازه‌های شرقی آن نام دروازه دولاب به خود گرفت و چون بخش عمده سبزی و صیفی تهران را تأمین می‌کرد، اهمیت و شهرت آن تا اواخر عهد قاجار باقی ماند (ر.ک: معتمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۸ و ۳۷۹).

۶. نتیجه

از وضعیت مشکلات قضایی مردم تهران در دوره مشروطه این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که در حوزه اختلافات حقوقی شامل مشکلات ملکی، مالی، ارث و وقف بیشترین اختلافات میان افراد، مسائل مالی بود. رژیم نوپای مشروطه نیز از همان بدو تأسیس، دچار بحران‌های فزاینده مالی گردید. این امر علل زیادی داشت که بیشتر از عملکرد ناصحیح حکومت قاجاریه در مواجهه با مشکلات اقتصادی ناشی می‌شد. در این دوره ارزش پول ایران به شدت تنزل کرد و تا چندین برابر از ارزش آن کاسته شد و در قبال ارزهای معتبر خارجی به ویژه لیره انگلیسی، ارزش آن بسیار پایین آمد. از سوی دیگر، نقدینگی موجود کشور هم به‌رغم نوسانات شدید پولی تا مدت مدیدی نمی‌توانست پاسخ‌گوی نیازهای داخلی کشور باشد. این معضل به‌خوبی در اسناد منعکس شده است. در نخستین جلسات تشکیل مجلس دوره اول مشروطه، مسائل مالی و مضیقه‌های اقتصادی دولت در دستور کار قرار گرفت. در این برهه دولت سخت در مضیقه مالی قرار گرفته و در پرداخت‌های معوق خود با مشکلات بسیاری رو به رو شده بود. اقبال مردم به عدلیه در سال‌های نخست مشروطه اگرچه نشان‌دهنده مشکلات عدیده قضایی در این زمان است؛ اما از امید آنان جهت حل مشکلات حقوقی و احقاق حق نیز حکایت دارد. از سوی دیگر روحیه استبداد و فراقانونی بودن علاوه بر این که در میان افراد صاحب نفوذ، اشراف و وابستگان به حکومت، نمایان است، به‌عنوان یک ویژگی اجتماعی در لابه‌لای شکایات و دعاوی حقوقی افراد از یکدیگر، قابل شناسایی است.



گزارش رئیس کل محاکم ابتدایی به معاون عدلیه در خصوص ادعای معین التجار مبنی بر عدم پرداخت بدهی اش توسط میرزا عبدا... خان امین السلطان (فرزند میرزا امین السلطان اتابک) به همراه پاسخ معاون عدلیه در سال ۱۳۲۸ق.



عریضه‌ای در خصوص اختلاف ملکی میان منشورالسلطنه و معززالسلطنه (نامادری احمدشاه قاجار).

منابع

- سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، مجموعه اسناد امجدالسلطان معاون عدلیه، از شماره ۵۹۴۹۷ تا ۶۱۹۰۹ به تعداد ۹۰۰۰ برگ سند.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، مجموعه اسناد امجدالسلطان معاون عدلیه، کارتن شماره ۸۸ و ۸۹ به تعداد ۱۰۰۰ برگ سند.
- روزنامه مجلس، ۱۳۲۵ ه.ق، شماره ۱۰۹.
- روزنامه رسمی کشور، مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
- اشرف، احمد؛ بنوعیزی، علی طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۷.
- اتحادیه، منصوره، اینجا طهران است...، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷.
- شهیدی، حمیده و دیگران. «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدلیه و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سال‌های آغازین مشروطه» گنجینه اسناد، (۱۳۹۶) دوره ۲۷، شماره ۴، ص ۸۹-۶۶.
- شهیدی، حمیده، «جایگاه شرع و عرف در نظام قانون‌گذاری صدر مشروطیت با تکیه بر اسناد عدلیه» تاریخ پژوهی، (۱۳۹۸) شماره ۷۹.
- وحدت، مهدی، «در برات»، مجموعه حقوقی، (فروردین ۱۳۱۷)، شماره ۴۸، ص ۲۸-۲۵.
- والی نژاد، مرتضی، «ویژگی‌ها و کارکردهای مؤسسه‌های صرافی»، مجله بانک و اقتصاد، (مرداد ۱۳۸۲) شماره ۳۶، ص ۲۵-۲۱.
- مظفر مقام، احمد. «اسنادی از مکاتبات میرزا حسن رشیدیه مؤسس مدارس نوین به مجلس شورای ملی»، پیام بهارستان، (بهار ۱۳۸۸) شماره ۳، ص ۵۰۳-۵۲۶.
- معمودی، محسن. جغرافیای تاریخی تهران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- ملکی میانجی، علی، جغرافیای ری، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۳.
- کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، نشر کتاب هرمس، ۱۳۸۶.